



مدل ساختاری پیش‌بینی علاقه اجتماعی بر اساس روابط بین‌فردی و رضایت از رابطه زناشویی با نقش میانجی عشق زوجین

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران
استادیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

اکرم اصفهانی ^{ID}
حسن حیدری* ^{ID}
ذبیح پیرانی ^{ID}
حسین داوودی ^{ID}

heidarihassan@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پدیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۴ | پیاپی ۱۸ | ۳۴-۱۷
پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

اصفهانی، اکرم، حیدری، حسن، پیرانی، ذبیح، و داوودی، حسین. (۱۴۰۲). مدل ساختاری پیش‌بینی علاقه اجتماعی بر اساس روابط بین‌فردی و رضایت از رابطه زناشویی با نقش میانجی عشق زوجین. *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۴)، ۳۴-۱۷.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف، ارائه مدل ساختاری پیش‌بینی علاقه اجتماعی بر اساس روابط بین‌فردی و رضایت از رابطه زناشویی با نقش میانجی عشق زوجین انجام شد. **روش پژوهش:** روش پژوهش مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زنان مراجعه کننده به سرای محلات شهر تهران در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل داد، که از میان آن‌ها، تعداد ۳۰۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای علاقه اجتماعی (کراندال، ۱۹۷۵)، روابط بین‌فردی (هرویتز و همکاران، ۱۹۸۸)، رضایت از رابطه (برنز و سائرس، ۱۹۸۸) و عشق (استنبرگ، ۱۹۸۹) استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-V23 و Lisrel-V7.8 استفاده گردید. به‌منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. نتایج نشان داد روابط بین‌فردی بر علاقه اجتماعی در زوجین تاثیر مستقیم دارد. رضایت از رابطه زناشویی بر علاقه اجتماعی در زوجین تاثیر مستقیم دارد. روابط بین‌فردی بر علاقه اجتماعی در زوجین با نقش میانجی عشق تاثیر غیر مستقیم دارد. رضایت از رابطه زناشویی بر علاقه اجتماعی در زوجین با نقش میانجی عشق تاثیر غیرمستقیم دارد. **نتیجه‌گیری:** لذا توجه به متغیرهای مذکور در پیشگیری و طراحی درمان‌های مناسب‌تر به پژوهشگران و درمانگران باری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: علاقه اجتماعی، روابط بین‌فردی، رضایت از رابطه زناشویی، عشق.

مقدمه

در سال‌های اخیر بررسی تاثیر علاقه اجتماعی^۱ در زوجین بر بروز رفتارهای سازش یافته در زندگی یکی از زمینه‌های نوین پژوهش است. علاقه اجتماعی یکی از مفاهیم عنوان شده به وسیله آدلر و مفهوم مرکزی نظریه شخصیت او است (نیومن، ۲۰۲۰). در توصیف این مفهوم تعاریف زیادی بیان شده و هر یک آن را از بعد خاصی مورد توجه قرار داده‌اند. بنابر نظر آدلر، علاقه اجتماعی شاخص اصلی سلامت روانی است و افراد برخوردار از علاقه اجتماعی تلاش خود را به سمت فعالیت‌های سودمند به حال اجتماع سوق می‌دهند (دومیس و همکاران، ۲۰۱۶). علاقه اجتماعی، شامل احساس بیرونی نسبت به تمام انسان‌ها است. ماهیت علاقه اجتماعی، ارزش گذاشتن بر چیزی بیرون از خود بدون انگیزه‌های پنهانی و نیز عدم حضور واقعی خودمحوری، خودخواهی و خودشیفتگی است. علاقه اجتماعی بر مبنای شباهت و همانندی یک فرد با دیگران و تعالی و نیز علاقمندی به خود است که منجر به ارتباط اصیل با انسان‌ها و گرایش به مبارزه برای رفاه جامعه می‌شود (گراو و زلیگمن، ۲۰۱۷). آدلر اعتقاد داشت که علاقه اجتماعی در امور جاری زندگی مانند دوستی، عشق و کار متجلی می‌شود و سلامت روانی فرد، نیازمند کنار آمدن و سازگاری موفق فرد با این چالش‌های اصلی و جاری در زندگی است. به نظر آدلر، علاقه اجتماعی پیامدهای مهمی برای سازگاری فرد دارد و در عین حال موجب سلامت جامعه می‌شود. علاقه اجتماعی به عنوان پایه و اساس سلامت روانی بوده و پیگیری و ردیابی بسیاری از مشکلات درون فردی و بین فردی به عدم حضور احساس یا علاقه جمعی و اجتماعی ختم می‌شود (آلکیگوز و توکر، ۲۰۱۹).

آنچه آشکار است مشکلات زناشویی در یکدم بروز نمی‌یابند. پژوهش‌های طولی (ویلیامسون و لاونر، ۲۰۲۰) انجام گرفته در گستره ازدواج و روابط صمیمی، نمایانگر این است که با شناسایی و پژوهش کیفیت رابطه در زوجین می‌توان میزان علاقه اجتماعی در آنان را پیش بینی کرد. بازبینی پیشینه موضوع نشان می‌دهد که عوامل بی شماری به عنوان متغیرهای پیش بینی کننده رضایت از رابطه زناشویی شناسایی شده‌اند. رضایت زناشویی به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های تعیین عملکرد خانواده است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت می‌کنند (حق شناس و باباخانی، ۱۳۹۶). در این راستا تعدادی از پژوهشگران رضایت از رابطه زناشویی را احساس عینی خشنودی، رضایت، انطباق بین همسران و همچنین لذت بردن زن و شوهر از تمامی روابط دانسته و برخی دیگر آن را به عنوان ارزیابی ذهنی فرد از آن رابطه و سازگاری درونی و بیرونی زن و مرد در موقعیت‌های مختلف زندگی جهت ایجاد تفاهم دوجانبه بین آنها، تعریف کرده‌اند (فرنچ و همکاران، ۲۰۱۹). به عقیده روانشناسان پدیده اختلافات زناشویی در زوجین به عنوان یکی از معتبرترین شاخص‌های نارضایتی در روابط زناشویی، نوعی گسستگی عاطفی زوجین و یا حداقل یکی از زوجین می‌باشد. این گسستگی عاطفی بدون شک دردناک بوده و توأم با ضایعات و آسیب‌های متفاوت برای زوجین می‌باشد (چیو و همکاران، ۲۰۱۹). بنا به گزارش روانشناسان در سال‌های اخیر احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان زنان و مردان به سستی گراییده است و خانواده‌ها به گونه‌ای فزاینده با نیروهای ویرانگر روبرو شده‌اند و مشکلات روابط بین فردی آنان بیشتر شده است (پارک و پارک، ۲۰۱۸). مشکلات در روابط بین فردی در زوجین

1. social interest

مشکلاتی هستند که در رابطه با دیگران تجربه می‌شوند و آشفتگی روانی ایجاد می‌کنند (مارکی و همکاران، ۲۰۱۴)، یا با این دسته از ناراحتی‌ها (مشکلات روانی) در ارتباط قرار می‌گیرند (اسنیر و ویزمن، ۲۰۱۶). گرچه شناسایی ماهیت بین فردی مشکلات روان‌شناختی در زوجین سابقه‌ای طولانی دارد (میسری، ۲۰۱۸)؛ تا مطالعات هرویتز و همکاران (۱۹۸۸) تلاشی برای بررسی و ساماندهی این مشکلات به گونه‌ای که برای پژوهشگران مفید باشد صورت نگرفته است. هرویتز و همکاران (۱۹۸۸) با تحلیل دقیق مشکلات گزارش‌شده در مصاحبه‌های بالینی در زوجین توانستند مجموعه‌ای از مشکلات بین فردی شامل مشکلات زوجین در زمینه قاطعیت، مردم‌آمیزی، اطاعت‌پذیری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و مهارگری را شناسایی و توصیف کنند (کوئینلان و همکاران، ۲۰۱۸). برخی پژوهشگران بر این عقیده‌اند که پریشانی روان‌شناختی و نارسایی رفتاری در زوجین وقتی اتفاق می‌افتد که اهداف بین فردی ناکام می‌مانند. چون افراد در اهداف بین فردیشان متفاوت هستند، انواع مختلفی از مشکلات روابط بین فردی، رفتار ناسازگارانه را برای افراد متفاوت تسریع می‌کند، حتی اگر آن افراد تشخیص‌های روان‌شناختی یکسانی داشته باشند (نوبلوج-فدرز و ویلسون، ۲۰۱۸). با وجود این برخی دیگر از مطالعات اظهار می‌کنند که مشکلات روابط بین فردی ممکن است مستقیماً به دلیل نارسایی در تنظیم هیجان‌ها توسط شخص ایجاد شود و باعث نارضایتی از رابطه زناشویی گردد (بیکارد و همکاران، ۲۰۱۶).

بنابراین با توجه به تایید رابطه بین روابط بین فردی و رضایت از رابطه با علاقه اجتماعی در زوجین در مطالعات پیشین و پژوهش‌های کنونی باید بر شناسایی مکانیزم‌های میانجی گر ارتباط بپردازند که در پژوهش حاضر به بررسی نقش میانجی گر عشق در زوجین پرداخته می‌شود. بسیاری از ازدواج‌های کنونی با عشق و تاکید بر روابط عاشقانه آغاز می‌گردد، اما پایدار نمی‌ماند. عشق واقعی، مستلزم تعهد و علاقه اجتماعی است و در واقع این تعهد در دوران زناشویی، اساس یک رابطه عاشقانه است. بنابراین یکی از مهمترین روابطی که انسان‌ها در طول زندگی خود ایجاد می‌کنند و انتظار دارند که نیاز روحی آنها را، دوست داشتن و دوست داشته شدن را تامین کند «عشق» است. در نهاد آدمی است که دوست بدارد و دوست داشته شود، عاشق شود و عاشقی داشته باشد (مند و همکاران، ۲۰۱۹). در همین رابطه نتایج پژوهش دانلوپ و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که عشق و روابط نزدیک و صمیمانه از جمله عواملی است که بر میزان رضایتمندی و سلامت روان در زوجین اثر مستقیم دارد. سبک‌های عشق ورزی، نگرش‌هایی هستند که بیان‌کننده نحوه تعریف عشق در بافت روابط صمیمانه هستند. این نگرش‌ها بر احساس و نحوه رفتار زوجین تاثیر می‌گذارد (رفیعی پور و ساکنی، ۱۳۹۷). یکی از مهمترین و مورد توجه ترین نظریه‌ها که به تبیین اجزاء و انواع عشق می‌پردازد نظریهٔ مثلث عشق^۱ است که توسط استرنبرگ ابداع شده و به نام خود او مشهور می‌باشد (استرنبرگ، ۱۹۸۶). وی مفهوم عشق را در سه جزء کلی که می‌تواند اضلاع یک مثلث باشند شرح داده است: جزء صمیمیت^۲ که شامل احساس نزدیکی برقراری ارتباط متقابل و دلبستگی در رابطه است؛ جزء شور و اشتیاق^۳ که مبتنی بر انگیزش‌های جنسی و جذابیت‌های جسمانی است و جزء

1. Triangular theory of love

2. intimacy

3. passion

تعهد و تصمیم^۱ که در کوتاه مدت به شکل تصمیم برای برقراری رابطه و در طولانی مدت به شکل تعهد و احساس مسئولیت برای حفظ و تداوم آن رابطه تظاهر می‌یابد. این سه جزء در ترکیب با یکدیگر، ۸ نوع متفاوت از عشق را به وجود می‌آورند که هر کدام ویژگی‌ها، معایب و محاسن خاص خود را دارند؛ به طوری که برخی از انواع عشق با سطوح بالاتری از رضایتمندی در رابطه همبستگی دارند (مصباح، ۱۳۹۸). به نظر می‌رسد طبق نظریاتی اندک که در مورد عشق در روانشناسی مطرح شده عشق از یک نیروی ناخودآگاه درونی و تجربیات کودکی ما شکل گرفته و انتخاب‌های عاشقانه ما تحت تاثیر این الگوهای کودکی است و گاهی افراد توقع دارند عشق به زندگیشان معنا بدهد، شخصی را که با او ازدواج کرده اند یک ایده آل الهی تصور می‌کنند و معتقدند که این فرد می‌تواند زندگی آنان را سرشار از شادی کند (جورگنسن، ۲۰۲۰). تصورات عاشقانه بر انتخاب همسری رویایی تاثیر زیادی دارند. گاه انگیزه انتخاب ناآگاهانه همسر، اشتیاق به ترمیم زخم‌های کودکی است. به تدریج که با دیگران آشنا می‌شود، شروع به فرافکنی اندیشه‌ها و احساسات خود می‌کند و دیگران را در سایه اندیشه‌ها و احساسات می‌بیند و در نتیجه با آنکه فکر می‌کند که دارد دیگری را بهتر و عمیق تر می‌شناسد اما در واقع امکان دارد تنها کاری که نکرده است شناخت آن دیگری باشد، برعکس امکان دارد سرگرم خلق داستانی باشد که شباهت چندانی به شخصیت واقعی انسان مورد نظرمان نداشته باشد، بلکه بیشتر شبیه شخصیتی است که تصور می‌شود آن کس باشد (لوپس و همکاران، ۲۰۱۶). با توجه به اهمیت علاقه اجتماعی که بر اساس نظر آدلر به عنوان شاخص اصلی سلامت روان در کودکی و بزرگسالی به شمار می‌رود و علاقه اجتماعی بالا، فرد را به سوی انجام فعالیت‌های مفید برای جامعه سوق می‌دهد، بررسی عوامل مرتبط با این متغیر از ضرورت بالایی برخوردار است. علاوه بر این با توجه به این که، علاقه اجتماعی تلاشی است از سوی افراد برای ارتقا جامعه و آینده‌ای بهتر برای آیندگان و تا حدود زیادی تحت تاثیر فضای عاطفی، ارزش‌های حاکم بر خانواده و مناسبات میان اعضا آن می‌باشد. فراهم بودن زمینه‌ها و پیش نیازهای رشد علاقه اجتماعی، موجب ترجیح علائق اجتماعی در مقایسه با رقابت جویی‌های فردی از سوی فرد از اوان کودکی و انتخاب آن به عنوان یکی از وجوه بارز سبک زندگی که آن هم یکی از مفاهیم کلیدی آدلر می‌باشد، خواهد گردید. بنابراین در این پژوهش با توجه به نقش روابط بین فردی، رضایت از رابطه زناشویی و عشق به عنوان کلیدی ترین عوامل بروز رفتارهای فرد و خانواده به عنوان مهمترین جایگاه شکل گیری اندیشه‌های اجتماعی فرد، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوال خواهد بود که: آیا مدل علاقه اجتماعی بر اساس روابط بین فردی و رضایت از رابطه زناشویی با نقش میانجی عشق در زوجین برآزش دارد؟ مدل مفهومی پژوهش در ذیل آورده شده است.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش پژوهش همبستگی و الگویابی معادلات ساختاری انجام شد. روش نمونه گیری در این پژوهش تصادفی خوشه‌ای تک مرحله‌ای بود. به این صورت که کل شهر تهران به ۲۴ منطقه تقسیم شده است از ۲۴ منطقه دو منطقه ۲ و ۴ به تصادف انتخاب شد و از هر دو منطقه دو ناحیه و از هر

ناحیه دو سرای محله به تصادف انتخاب شد و در نهایت پرسشنامه‌ها در میان مراجعه کنندگان توزیع شد. درباره حجم نمونه در پژوهش‌های مربوط به روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری نظرات گوناگون وجود دارد ولی همه بر این موضوع توافق دارند که مدل معادلات ساختاری شبیه تحلیل عامل ازفون آماری است که با نمونه بزرگ قابل اجرایی باشد (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱). بومسما (۱۹۸۳)، به نقل از تاباچنیک و فیدل، (۲۰۰۱) حجم حدود ۲۰۰ نفر را برای برازش مدل کافی دانسته است. براساس اندازه اثر مورد انتظار و توزیع متغیرهای اندازه گیری شده و همچنین به لحاظ توان آزمون، به ازای هر پارامتر برآورد شده حداقل ۱۰ آزمودنی ممکن است کافی باشد، به شرط اینکه اندازه برآورد اثر بزرگ باشد و متغیرهای اندازه گیری شده دارای توزیع نرمال باشند (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱). بنابراین حداقل نمونه پژوهش حاضر با در نظر گرفتن تعداد پارامترهای برآورد شده در مدل حداقل ۳۰۰ نفر از زنان بود، که با در نظر گرفتن ریزش‌های احتمالی ۳۲۰ زن بر اساس معیارهای ورود و خروج (معیارهای ورود به پژوهش شامل: طول مدت ازدواج حداقل ۹ ماه، ساکن شهر تهران بودن، دامنه سنی بین ۲۰ تا ۵۰ سال، رضایت آگاهانه (به صورت کتبی) برای شرکت در پژوهش و معیارهای خروج شامل: ناقص پر کردن پرسشنامه‌های پژوهش بود) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد و در نهایت ۳۰۵ پرسشنامه به صورت کامل برگشت داده شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه علاقه اجتماعی کراندال (۱۹۷۵): برای سنجش علاقه اجتماعی از پرسشنامه علاقه اجتماعی کراندال استفاده شد. جیمز کراندال (۱۹۷۵) بعد از مرور بر تئوری علاقه اجتماعی، استانداردی برای اندازه گیری این مفهوم تهیه کرد. در مقیاس علاقه اجتماعی فرد با تعیین ارجحیت گزینه‌ها در واقع با بله یا خیر به سوال‌ها پاسخ می‌دهد. فرد با این انتخاب نشان می‌دهد که ارتباط با مرد چقدر برایش مهم است. در این ۲۴ جفت در ۱۵ جفت یک صفت خودگرایانه در مقابل دیگرگرایانه آورده شده است که پاسخ به صفت دیگرگرایانه آن، یک امتیاز در نظر گرفته می‌شود و از سطح ۰/۷- علاقه اجتماعی سطح پایین، ۹-۷ سطح علاقه اجتماعی متوسط و از ۱۵-۹ سطح بالا را نشان می‌دهد. ۶ عبارت باقیمانده دو نگرش متفاوت به هستی را نشان می‌دهد که امتیازدهی حائز اهمیت نمی‌باشد. در این آزمون در مواد ۲، ۷، ۹، ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۲ گزینه اول دارای امتیاز یک هستند و گزینه دوم هیچ امتیازی ندارند. نمره گذاری در مواد ۳، ۵، ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳ به صورت معکوس انجام می‌شود، به طوری که گزینه دوم دارای امتیاز یک هستند و گزینه اول هیچ امتیازی نمی‌گیرند. مواد ۱، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۴ هم هیچ نمره‌ای را به خود اختصاص نمی‌دهد (نه صفر و نه یک). همان طور که مشاهده می‌شود در تمامی صفات گروه اول توجه به دیگری وجود دارد. گروه دوم صفات، نشان دهنده صفاتی هستند که در ایجاد مهارت یا قدرتی در فرد که باعث برتری او می‌شود، دخیل هستند. دسته سوم که الزاما توجه به دیگری را شامل نمی‌شود و در مقابل آن هم نیست (کراندال، ۱۹۹۱). کراندال (۱۹۷۵) روایی پرسشنامه خود را ۰/۷۷ گزارش کرده است که پس از انجام آن در پژوهش قدمعلی (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۱ شده است. در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ ۰/۶۷ به دست آمده است.

۲. پرسشنامه روابط بین فردی هرویتز و همکاران (۱۹۸۸): نسخه کوتاه مقیاس ۱۲۷ گویه‌ای روابط بین فردی (هرویتز و همکاران، ۱۹۸۸)، ۶۰ گویه دارد و روابط بین فردی را در شش زمینه قاطعیت، مردم‌آمیزی، اطاعت‌پذیری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و مهارگری در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۰ تا ۴ (خیلی کم = ۰، کم = ۱، متوسط = ۲، زیاد = ۳، خیلی زیاد = ۴) می‌سنجد در این مقیاس، نمره بیشتر، روابط بین فردی بیشتری را نشان می‌دهد. علاوه بر شش زمینه فوق، میانگین کل آزمودنی در زمینه روابط بین فردی نیز بر اساس نمره او در مجموعه ۶۰ گویه محاسبه می‌شود. در اعتبار یابی نسخه فارسی بشارت (۱۳۸۸) ضرایب آلفای کرونباخ ماده‌های هر یک از زمینه‌ها از ۰/۸۶ تا ۰/۸۹ برای قاطعیت، از ۰/۹۰ تا ۰/۹۱ برای مردم‌آمیزی، از ۰/۸۲ تا ۰/۸۴ برای اطاعت‌پذیری، از ۰/۸۳ تا ۰/۸۷ برای صمیمیت، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ برای مسئولیت‌پذیری، از ۰/۹۱ تا ۰/۹۲ برای مهارگری و از ۰/۹۳ تا ۰/۹۵ برای نمره کل مشکلات بین شخصی به دست آمد که نشانه همسانی درونی بالای این مقیاس در فرهنگ ایرانی است. بشارت (۱۳۸۹) اعتبار مقیاس مشکلات بین شخصی، را برای هر یک از زیرمولفه‌ها از ۰/۵۹ تا ۰/۶۳ گزارش کرد که نشان‌دهنده اعتبار بالای این مقیاس در فرهنگ ایرانی است.

۳. پرسشنامه رضایت از رابطه برنز و سایرین (۱۹۸۸): مقیاس رضایت از رابطه برنز و سایرین (۱۹۸۸)، دارای ۷ آیتم است که در تلاش برای اندازه‌گیری رضایت در نزدیکترین رابطه فرد در بزرگسالی در جهت بخش‌های از رابطه بزرگسالی است. این میزان شامل ارتباط و صداقت، صمیمیت و نزدیکی، حل و فصل منازعات و مشاجرات، رضایت از نقش خود در رابطه، رضایت از نقش دیگری در رابطه و در کل رضایت از رابطه است. شرکت‌کنندگان میزان رضایت از رابطه در هر یک از بخش‌های مختلف رابطه با استفاده از مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از صفر (بسیار ناراضی)، تا ۶ (بسیار راضی) نشان می‌دهند. برنز و سایرین (۱۹۸۸) نمرات گروه‌های این پرسشنامه از ۰-۱۰ نشان دهنده فرد بسیار ناراضی، ۱۱-۲۰ نشان دهنده فرد بسیار ناراضی، ۲۱-۲۵ نشان دهنده فرد نسبتاً ناراضی، ۲۶-۳۰ نشان دهنده افرادی تا حدودی ناراضی، ۳۱-۳۵ نشان دهنده فرد تا حدودی ناراضی، ۳۶-۴۰ نشان دهنده فرد نسبتاً ناراضی و ۴۱-۴۲ نشان دهنده فرد بسیار راضی است. افراد با نمره برش ۳۱ و یا بالاتر به عنوان افرادی که رضایت از رابطه را تجربه خواهند کرد در نظر گرفته می‌شود. در مورد روایی، از طریق روایی همگرا مقیاس رضایت از رابطه با مقیاس سازگاری زناشویی ۰/۸۰ (برنز و سایرین، ۱۹۸۸) و با شاخص کیفیت ازدواج ۰/۹۱ گزارش دادند (همین و همکاران، ۱۹۴۴). همین و همکاران (۱۹۹۴) روایی تفکیک شده مقیاس رضایت از رابطه با خرده مقیاس‌های آسیب‌شناسی روانی ۰/۵۱- به دست آمده است. پایایی درونی برای مقیاس رضایت از رابطه با آلفای کرونباخ ۰/۹۷ به دست آمده است که پایایی قابل قبول است. در ایران قیصری و کریمیان (۱۳۹۲) نیز میزان آلفای کرونباخ را ۰/۸۱ به دست آوردند.

۴. پرسشنامه عشق استرنبرگ (۱۹۸۹): این پرسشنامه توسط استرنبرگ (۱۹۸۹) بر مبنای نظریه سه وجهی عشق و با هدف بررسی و ارزیابی ساختار عشق بر اساس مولفه‌های صمیمیت، هوس و تعهد تدوین شده است که شامل ۴۵ سوال می‌باشد و هر ۱۵ سوال آن یکی از ابعاد عشق را بر اساس سه خرده مقیاس صمیمیت، شوریدگی و تعهد می‌سنجد. آزمودنی احساس یا نظر خود را در یک مقیاس ۹ درجه‌ای اظهار می‌نماید. کمترین و بیشترین نمره آزمودنی در هر یک از خرده مقیاس‌ها بین ۱۵ تا ۱۴۵ خواهد بود.

اشترنبرگ (۱۹۹۷) در پژوهشی برای به دست آوردن روایی مثلث عشق بر روی تعدادی از آزمودنی‌ها از آنها خواست تا به ۴۵ سوال پاسخ دهند. نتایج نشان داد همبستگی خرده مقیاس‌ها ۲۱ تا ۶۵ صدم و همبستگی درونی مقیاس‌ها و ضریب پایایی کل آزمون را ۰/۹۰ گزارش کرد (فرحبخش و شفیع آبادی، ۱۳۸۵). پایایی برای کل این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۶۵ برای صمیمیت، ۰/۵۴ برای شوریدگی و ۰/۶۶ درصد برای تعهد بدست آمده است. پایایی آزمون از طریق آزمون مجدد بر روی ۳۰ نفر از آزمودنی‌ها ۰/۵۸ بدست آمده است.

شیوه اجرا. در نهایت ۳۰۵ پرسشنامه به صورت کامل برگشت داده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS-19 و Lisrel-V7.80 انجام شد. همچنین به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌ها

در این بخش با استفاده از شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و نمودار متغیرهای پژوهش مورد توصیف قرار می‌گیرد.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرهای پژوهش

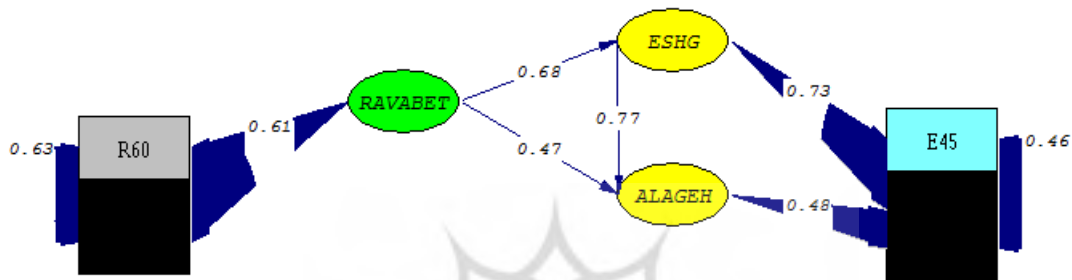
متغیر	نمره	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
علاقه اجتماعی	۲۳,۲۳	۲,۵۴	-۱,۶۰	۱,۴۴
روابط بین فردی	۱۹۸,۰۹	۳۱,۳۸	-۱,۰۰	۰,۰۴
رضایت از رابطه	۲۰,۲۳	۶,۹۱	-۰,۰۹	۰,۵۳
عشق	۱۶۰,۰۸	۳۵,۷۶	-۰,۰۱	۰,۲۰

اطلاعات جدول ۱ مشخصه‌های آماری متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه‌ی $(-۱,۹۶, +۱,۹۶)$ قرار دارد، حدس بر نرمال بودن داده‌ها قوت می‌گیرد. بنابراین، می‌توان فرض نرمال بودن داده‌ها را مطرح کرده و پذیرفت.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

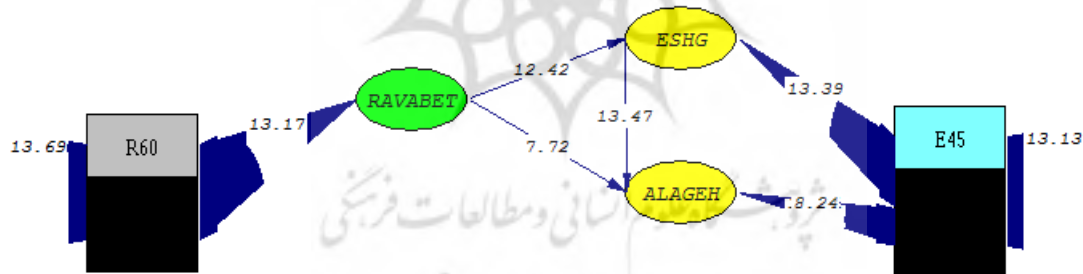
	علاقه اجتماعی	روابط بین فردی	رضایت از رابطه	عشق
علاقه اجتماعی	۱			
روابط بین فردی	همبستگی Sig. ۰,۰۰۰	۱		
رضایت از رابطه	همبستگی Sig. ۰,۰۰۰	همبستگی Sig. ۰,۰۰۰	۱	
عشق	همبستگی Sig. ۰,۰۱۱	همبستگی Sig. ۰,۰۰۵	همبستگی Sig. ۰,۰۰۰	۱

همان‌طور که از ماتریس ۲ مشخص است، علامت $**$ نشان‌دهنده وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰,۰۱ را نشان می‌دهد. یعنی، بین متغیرهای پژوهش رابطه معنادار وجود دارد. در این بخش، به منظور بررسی روابط متغیرهای فرضیه پژوهش، از مدل معادلات ساختاری تأییدی استفاده می‌شود. بدین منظور، پس از رسم ساختار، اضافه نمودن قیود مدل و انتخاب روش ماکسیمم درست‌نمایی، مدل اجرا شده و نمودار مسیر برازش شکل‌های ۲ و ۳ به دست آمد.



$Chi-Square=19172.53$, $df=8124$, $P-value=0.05146$, $RMSEA=0.065$

شکل ۲. ضرایب مسیر و بارهای عاملی مدل (در حالت استاندارد)



$Chi-Square=19172.53$, $df=8124$, $P-value=0.05146$, $RMSEA=0.065$

شکل ۳. ضرایب معناداری مدل

با توجه به معیارهای χ^2 -دو و $RMSEA$ این مدل برازش مناسبی به داده‌ها ارائه می‌کند. در جدول ۳، مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های برازش آورده شده است. همان‌گونه که در جدول ۳ دیده می‌شود، همه‌ی شاخص‌ها کفایت آماری دارند. بنابراین، با اطمینان می‌توان دریافت محقق در مورد این شاخص‌ها به برازش نسبتاً کاملی دست یافته است.

جدول ۳. گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوتر)	-	۱۹۱۷۲,۵۳	
شاخص نیکویی برازش	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰,۹۱	بزرگتر از ۰,۸
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰,۸۷	بزرگتر از ۰,۸
شاخص برازش تطبیقی	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰,۹۸	بزرگتر از ۰,۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰,۰۶۵	کمتر از ۰,۱

در جدول ۴، ضرایب مسیر به همراه مقادیر t برای فرضیه‌ی فوق آورده شده است. همان‌طور که مشخص است، مسیرهای مورد آزمون، پذیرفته می‌شوند.

جدول ۴. ضرایب مسیر و مقادیر t

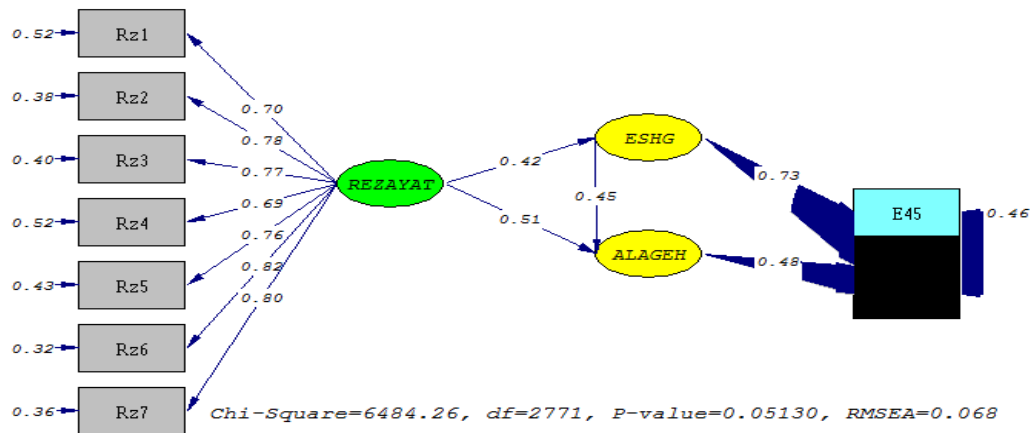
مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	وضعیت
روابط بین فردی -- عشق	۰,۶۸	۱۲,۴۲	پذیرفته شد
عشق -- علاقه اجتماعی	۰,۷۷	۱۳,۴۷	پذیرفته شد
روابط بین فردی -- علاقه اجتماعی	۰,۴۷	۷,۷۲	پذیرفته شد

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که روابط بین فردی بر علاقه اجتماعی در زوجین با نقش میانجی عشق تأثیر غیر مستقیم دارد. برای بررسی میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته لازم است تا اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم برای متغیر درون‌زای مدل ارائه شود که این اثرات در جدول زیر قابل مشاهده است.

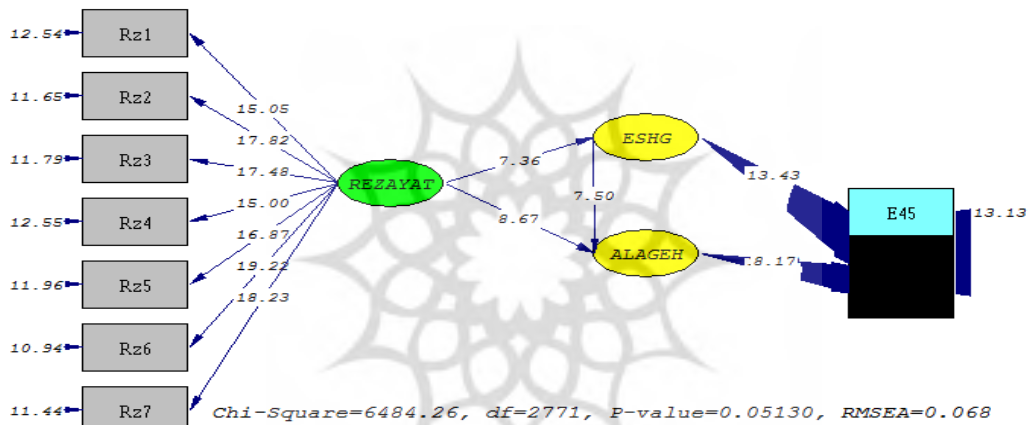
جدول ۵. ضرایب مسیر و مقادیر t

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل
روابط بین فردی	عشق	۰,۶۸	----	۰,۶۸
عشق	علاقه اجتماعی	۰,۷۷	----	۰,۷۷
روابط بین فردی	علاقه اجتماعی	۰,۴۷	۰,۷۷ * ۰,۶۸ = ۰,۵۲	۰,۹۹

همان‌طور که در جدول ۵ قابل مشاهده است: تأثیر روابط بین فردی به صورت غیرمستقیم از طریق عشق بر علاقه اجتماعی به میزان ۰,۹۹ است.



شکل ۴. ضرایب مسیر و بارهای عاملی مدل (در حالت استاندارد)



شکل ۵. ضرایب معناداری مدل

جدول ۶. ضرایب مسیر و مقادیر t

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	وضعیت
رضایت از رابطه زناشویی --> عشق	۰,۴۲	۷,۳۶	پذیرفته شد
عشق --> علاقه اجتماعی	۰,۴۵	۷,۵۰	پذیرفته شد
رضایت از رابطه زناشویی --> علاقه اجتماعی	۰,۵۱	۸,۶۷	پذیرفته شد

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رضایت از رابطه زناشویی بر علاقه اجتماعی در زوجین با نقش میانجی عشق تأثیر غیرمستقیم دارد. برای بررسی میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته لازم است تا اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم برای متغیر درون‌زای مدل ارائه شود که این اثرات در جدول ۷ قابل مشاهده است.

جدول ۷. ضرایب مسیر و مقادیر t

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر	
		مستقیم	غیرمستقیم
رضایت از رابطه زناشویی	عشق	۰,۴۲	---
عشق	علاقه اجتماعی	۰,۴۵	----
رضایت از رابطه زناشویی	علاقه اجتماعی	۰,۵۱	۰,۴۲ * ۰,۴۵ = ۰,۱۹

همان‌طور که در جدول ۷ قابل مشاهده است: تاثیر رضایت از رابطه زناشویی به صورت غیرمستقیم از طریق عشق بر علاقه اجتماعی به میزان ۰,۷۰ است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل ساختاری پیش‌بینی علاقه اجتماعی بر اساس روابط بین فردی و رضایت از رابطه زناشویی با نقش میانجی عشق زوجین انجام شد. نتایج نشان داد که روابط بین فردی بر علاقه اجتماعی در زوجین با نقش میانجی عشق تاثیر غیرمستقیم دارد. همچنین تاثیر روابط بین فردی به صورت غیرمستقیم از طریق عشق بر علاقه اجتماعی به میزان ۰,۹۹ است. نتایج پژوهش با یافته‌های دهقان فر و خسروپور (۲۰۲۰)، سینا و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. در توجیه این که چرا عشق نقش میانجی در رابطه با روابط بین فردی و علاقه اجتماعی زوجین دارد با مرور پیشینه پژوهش می‌توان گفت احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌گردد، اما برخورداری از عشق اصیل و واقعی در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به کارگیری خرد نیز می‌باشد که به دنبال ارضای میل نیز می‌تواند ایجاد گردد. به طور کلی می‌توان گفت فردی که میزان صمیمیت در روابط بین فردی را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. همچنین زوج‌هایی که از علاقه اجتماعی بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه روابط بین فردی مطلوب را تجربه کنند. برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها، راه حل مشکلات در روابط بین فردی است. زن و شوهر، زمانی به رضایتمندی می‌رسند که به اندازه کافی در ارتباطشان با یکدیگر صمیمی و در حل مشکلاتی که در زندگی شان به وجود می‌آید، با یکدیگر همکاری کنند (کولوسوا، ۲۰۱۸). صمیمیت، اهمیت اساسی در ماندگاری روابط زوجین دارد و میزان آن، تاثیر عمیقی در دستیابی به علاقه اجتماعی دارند. تعداد زیادی از افراد که به مشاوره و روان‌درمانی مراجعه می‌کنند، برای به دست آوردن سطح رضایت بخشی از صمیمیت شکست خورده اند (جاویتا و کیلز، ۲۰۱۷). در مورد شیوه‌های متفاوت ابراز عشق در زنان و مردان حسنی و همکاران (۲۰۱۶) طی پژوهشی چنین اظهار داشتند که زنان صمیمیت را به صورت عشق، عاطفه و ابراز احساسات گرم نشان می‌دهند، در حالی که مردان صمیمیت را بیشتر مشارکت در فعالیت‌ها، نزدیکی بدنی، صمیمیت در گذراندن وقت و رفتارهای جنسی می‌دانند. همچنین نتایج نشان داد رضایت از رابطه زناشویی بر علاقه اجتماعی در زوجین با نقش میانجی عشق تاثیر غیرمستقیم دارد. همچنین تاثیر رضایت از رابطه زناشویی به صورت غیرمستقیم از طریق عشق بر علاقه

اجتماعی به میزان ۰,۷۰ است. یافته پژوهش حاضر حاکی از این بود که عشق ورزی در رضایت از رابطه زناشویی و علاقه اجتماعی افراد نقش واسطه‌گری دارد. تحقیقات نیونت و مینت (۲۰۲۰) حاکی از آن است که سبک‌های عشق یا باورهای عاشقانه با ویژگی‌هایی مثل علاقه اجتماعی و رضایت از رابطه زناشویی ارتباط دارد. بنابراین، نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق فوق همسو است. در تحقیقی مشابه توسط محمدی (۱۳۹۳) نشان داده شد که سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد (ترکیبی از عشق کامل) با رضایت از رابطه زناشویی همبستگی دارد. پژوهش فوق با پژوهش حاضر همسو است. در پژوهش محمدی (۱۳۹۸)، نتایج نشان داد که بین مولفه‌های عشق و بخشودگی با رضایت زناشویی در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین با یافته‌های پژوهش مصباح (۱۳۹۸)، حسینی و علوی لنگرودی (۱۳۹۶)، ملکی و جدیدیان (۱۳۹۹) همسو است. هم‌چنین یافته‌های حاصل از پژوهش سینا و همکاران (۲۰۱۸)، کولوسوا (۲۰۱۸)، جاویتا و کیلز (۲۰۱۷) همسو بود. ازدواج قراردادی است رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل به منظور تشکیل زندگی خانوادگی، تا طرفین ازدواج در سایه آن، در خط مسیر معین و شناخته شده‌ای از زندگی قرار گیرند. این قرارداد با رضایت و خواسته زن و شوهر و بر مبنای آزادی کامل دو طرف منعقد می‌گردد و در پرتو آن روابط بس نزدیک بین آن دو پدید می‌آید. این که چرا مولفه‌های عشق با افزایش رضایت زناشویی همراه است، شاید نیاز چندانی به توضیح نداشته باشد. با مرور پیشینه‌های پژوهش می‌توان گفت احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌گردد اما افراد ممکن است پس از وصل جنسی (ارضای میل/هوس) یکدیگر را غیرجذاب بیابند، به همین دلیل برخورداری از عشق اصیل و واقعی در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به کارگیری خرد است. به طور کلی می‌توان گفت فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود، داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند. از سوی دیگر وجود تعهد در رابطه، باعث شکل گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. احساس تعهد نسبت به همسر نیز موجبات توجه به خواسته‌های وی، صرف وقت و توجه را فراهم می‌سازد. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه در رشد و تعالی هر یک از اعضای آن می‌کوشند. تعهد به زوجین اجازه می‌دهد تا به طور موثری در برابر خواسته‌های یکدیگر انعطاف داشته باشند. مولفه میل یا هوس (شور و شوق) نیز با ارضای نیازهای عاطفی و جسمانی (جنسی) زوجین در ارتباط بوده و بر رضایت زناشویی تاثیرگذار است، اما محصول صمیمیت بین زوجین بوده و به صورت مستقل نمی‌تواند پیش بینی معناداری برای رضایتمندی زناشویی باشد.

همان طوری که در ادبیات تحقیق اشاره شد، در عشق کامل، عشق ترکیبی از سه حالت صمیمیت، شوریدگی و تعهد تصمیم است. در این حالت فرد همسر خود را به عنوان یک انسان دوست دارد و به او احترام می‌گذارد، به او متعهد است و از طریق برقراری ارتباط درست با او احساس نزدیکی می‌کند، رفتار دوستانه، رفاقت آمیز، محبت آمیز و مراقبت آمیز خواهد داشت. هم‌چنین در تبیین این فرضیه می‌توان گفت زوجین برای این که زندگی موفق و سرشار از عشق، محبت و علاقه اجتماعی داشته باشند، نیاز به

برقراری ارتباطی صحیح دارند که احساس رضایت را در آنها افزایش می‌دهد. و معمولاً اشکال در عشق ورزیدن در بسیاری از شکایت‌های متداول مانند عدم تفاهم، توجه ناکافی به یکدیگر، ناخشنودی از یکدیگر، اشکال در گوش دادن، اشکال در حل مساله، لذت نبردن از زندگی و... در نهایت عدم رضایت از رابطه زناشویی ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین، عشق پلی است که می‌تواند روابط زناشویی را به هم نزدیک کرده، آن را استحکام بخشد. از این رو به نظر می‌رسد تنها زمانی احساس رضایتمندی در رابطه زناشویی ایجاد می‌شود که مولفه‌های صمیمیت، شهوت و تعهد به طور متوازن حضور داشته باشند. و اگر عشق ترکیبی از شوریدگی و تصمیم و تعهد نباشد، افراد صرفاً بر اساس حالت شوریدگی نسبت به هم متعهد هستند و رابطه صمیمیت و عاطفی عمیق با همدیگر ندارند. مگر این که قصه‌های عشق هر دو شبیه هم باشد که کمترین مشکل را در روابط ایجاد کند. از طرفی اگر قصه‌های عشق و نگرش دو نفر شبیه به هم نباشد، به عنوان مثال یک شخص دارای قصه عشق لذت جویی و دیگری قصه عشق جامعه پسند (روابط همسران با تشریک مساعی همراه است) باشد، نمی‌تواند علاقه اجتماعی و رضایت از رابطه زناشویی را به همراه داشته باشد. بنابراین، اگر از سر اتفاق عاشق کسی شویم که قصه کاملاً متفاوت داشته باشد وضعیت متزلزل زناشویی را خواهیم داشت.

از جمله محدودیت‌های پژوهش این بود که با توجه به این که پژوهش در یک جامعه محدود انجام شده است نسبت به تعمیم نتایج به جوامع دیگر باید جانب احتیاط را رعایت نمود. طرح پژوهشی توصیفی از نوع تحلیل بوده و با روش همبستگی انجام شد، لذا تبیین علی از نتایج آن امکان پذیر نبود. همچنین پژوهشگر در فرایند نمونه‌گیری و توزیع پرسشنامه‌ها به علت مصادف شدن اجرای فرایند نمونه‌گیری با پاندمی کرونا با محدودیت‌هایی در توزیع پرسشنامه و اجرای فرایندهای آموزشی مواجه شد. بنابراین پیشنهاد می‌شود مشاوران خانواده و سایر متخصصان ذی ربط تاثیرات متغیرهای مختلف روان‌شناختی در ارتباط زناشویی زوجین جهت تقویت علاقه اجتماعی آنها در نظر بگیرند و از طریق بالا بردن سطح توانمندی‌های روان‌شناختی زوجین به ارتقا کیفیت زندگی زناشویی آنها کمک کنند. همچنین درمانگران و مشاوران خانواده و ازدواج می‌توانند با تکیه بر یافته‌های چنین پژوهش‌هایی، اقداماتی موثر در جهت حل تعارضات زوج‌هایی صورت دهند که از قبل با هم ازدواج کرده‌اند و اکنون در میانه راه زندگی زناشویی خود بوده و ممکن است در زندگی خود با تعارضاتی رو به رو باشند که از حل آنها عاجز مانده‌اند یا خانواده‌هایی که برای دریافت کمک به آنها مراجعه کرده‌اند، به انجام برسانند. این یافته‌ها به ویژه برای درمانگرانی که بر نقش فرایندهای انتقال بین نسلی تاکید دارند، مفید خواهد بود.

موازین اخلاقی

در این پژوهش، موازینی اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری، رعایت شدند. با توجه نحوه جمع‌آوری داده‌ها، شرکت کنندگان درباره خروج از پژوهش مختار بودند. در این پژوهش به افراد اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه می‌ماند و این موضوع به طور کامل رعایت شد.

سپاسگزاری

از همکاری تمامی شرکت کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در تهیه این مقاله همه نویسندگان در طراحی، مفهوم‌سازی، گردآوری داده‌ها، روش‌شناسی، تحلیل آماری داده‌ها و نهایی‌سازی آن نقش یکسانی داشته‌اند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۹). ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی. *نشریه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۰ (۱)، ۱۲۹-۱۴۵.
- حسینی، فخرالسادات، و علوی لنگرودی، سیدکاظم. (۱۳۹۶). نقش سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه‌گری عشق ورزی. *فصلنامه مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، ۱۵ (۳)، ۹۸-۱۱۵.
- حق‌شناس، سپیده، و باباخانی، نرگس. (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس مهارت‌های مقابله با استرس و چشم‌انداز زمان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۵۲ (۱۱)، ۵۶۹-۵۸۴.
- رفیعی پور، امین، و ساکنی، زهرا. (۱۳۹۷). پیش‌بینی مولفه‌های عشق ورزی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی مایرز-بریگز. *فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۳۲ (۱۱)، ۹۹-۱۰۸.
- فرحبخش، کیومرث، و شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۸۵). ابعاد عشق ورزی بر اساس نظریه سه بعدی عشق در چهار گروه زوج‌های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند. *نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۸ (۳۰)، ۱-۲۰.
- قدمعلی، زینب، (۱۳۹۰). بررسی رابطه علاقه اجتماعی و نگرش مذهبی در دانشجویان دختر و پسر فنی و علوم انسانی دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- قیصری، سهیلا، و کریمیان، نادر. (۱۳۹۲). بررسی مدل علی رضایت جنسی بر اساس متغیرهای کیفیت زناشویی، رضایت از رابطه، اضطراب ارتباط جنسی، احقاق جنسی و دفعات آمیزش در دانشجویان زن متاهل بندرعباس. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۴ (۱۶)، ۸۵-۱۰۶.
- مصباح، ایمان. (۱۳۹۸). رابطه مولفه‌های عشق (صمیمیت، شور و شوق، تعهد) با رضایت زناشویی در دانشجویان زن و مردم متاهل. *نشریه رویش روانشناسی*، ۱ (۳۴)، ۳۰-۲۱.
- ملکی، بهمن، و جدیدیان، احمد علی. (۱۳۹۹). رابطه بین رضایت زناشویی زنان متاهل و عناصر سبک‌های عشق ورزی. *نشریه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*، ۲ (۱۱)، ۱۵-۱.

References

- Açıkgöz, Y., & Toker, Y. (2019). Integrating occupational complexity levels to interest assessments in social and enterprising areas: Development of the Vertical Social Interest Scale. *Journal of Career Assessment, 27*(1), 61-77.
- Besharat, M. A. (2010). Emotional dyslexia and interpersonal problems. *Journal of Educational and Psychology Studies, 10* (1), 129-145.
- Choi, H., Nam, B., Kim, S., & Park, C. (2019). Contact with Parents and Parents in Law, Gender, and Marital Satisfaction in Korea. *Journal of Marriage and Family, 81*(5), 1192-1205.
- Crandall, J. E. (1991). A scale for social interest. *Journal of Individual Psychology, 47*(1): 13-20.
- Dehghanifar, F., & Khosropour, F. (2020). Structural Modeling of Object Relations Mediated by Cognitive Emotion Regulation to Predict the Love Trauma Syndrome in Female Students. *Preventive Care in Nursing & Midwifery Journal, 10*(2), 1-8.
- Dumais, K. M., Alonso, A. G., Bredewold, R., & Veenema, A. H. (2016). Role of the oxytocin system in amygdala subregions in the regulation of social interest in male and female rats. *Neuroscience, 330*, 138-149.
- Dunlop, W. L., Karan, A., Wilkinson, D., & Harake, N. (2020). Love in the first degree: Individual differences in first-person pronoun use and adult romantic attachment styles. *Social Psychological and Personality Science, 11*(2), 254-265.
- Farahbakhsh, K., & Shafiabadi, A. (2006). Dimensions of making love based on the three-dimensional theory of love in four groups of couples in the stages of engagement, engagement, marriage and having children. *Journal of knowledge and research in applied psychology, 8* (30), 1-20.
- French, J. E., Altgelt, E. E., & Meltzer, A. L. (2019). The implications of sociosexuality for marital satisfaction and dissolution. *Psychological science, 30*(10), 1460-1472.
- Ghadamali, Z. (2011). Investigating the relationship between social interest and religious attitude in male and female technical and humanities students of Tehran universities in the academic year of 2013-2014. Master's thesis. Allameh Tabatabaie University.
- Gheisari, S., & Karimian, N. (2013). Investigating the causal model of sexual satisfaction based on the variables of marital quality, relationship satisfaction, sexual relationship anxiety, sexual entitlement and intercourse frequency in married female students of Bandar Abbas. *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy Culture, 4*(16), 85-106.
- Grad, R. I., & Zeligman, M. (2017). Predictors of post-traumatic growth: The role of social interest and meaning in life. *The Journal of Individual Psychology, 73*(3), 190-207.
- Haghshenas, S., & Babakhani, M. (2017). Predicting marital satisfaction based on stress coping skills and time perspective. *Family Research Quarterly, 52*(11), 569-584.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., Baer, B. A., Ureño, G., & Villaseñor, V. S. (1988). Inventory of interpersonal problems: psychometric properties and clinical applications. *Journal of consulting and clinical psychology, 56*(6), 885.

- Hosseini, F., & Alavi Langroudi, S. K. (2017). The role of attachment styles and sexual satisfaction in marital satisfaction with the mediation of love. *Women's Social-Psychological Studies Quarterly*, 15(3), 115-98.
- Jorgensen, J. N. (Ed.). (2020). *Love ya hate ya: the sociolinguistic study of youth language and youth identities*. Cambridge Scholars Publishing.
- Juwita, R., & Kilis, G. (2017). The Relationship between Love and Marital Satisfaction among Individuals in the Early Stage of Marriage. *Recent Developments in Sociology and Social Work*, 121.
- Klausová, T. (2018). *Triangle Theory of Love, Love Styles and Satisfaction in Romantic Relationships among University Students* (Doctoral dissertation, Empire State College).
- Knobloch-Fedders, L. M., & Wilson, S. J. (2018). Interpersonal behavior in couple therapy: Concurrent and prospective associations with depressive symptoms and relationship distress. *Psychotherapy Research*, 1-12.
- Lewis, K. C., Meehan, K. B., Cain, N. M., Wong, P. S., Clemence, A. J., Stevens, J., & Tillman, J. G. (2016). Impairments in object relations and chronicity of suicidal behavior in individuals with borderline personality disorder. *Journal of Personality Disorders*, 30(1), 19-34.
- Maleki, B., & Jadidian, A. A. (2020). The relationship between marital satisfaction of married women and elements of love making styles. *Journal of Applied Studies in Social Sciences and Sociology*, 2 (11), 1-15.
- Markey, P., Markey, C., Nave, C., & August, K. (2014). Interpersonal problems and relationship quality: An examination of gay and lesbian romantic couples. *Journal of Research in Personality*, 51, 1-8.
- Mende, M., Scott, M. L., Garvey, A. M., & Bolton, L. E. (2019). The marketing of love: how attachment styles affect romantic consumption journeys. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 47(2), 255-273.
- Mesbah, I. (2019). The relationship between love components (intimacy, passion, commitment) and marital satisfaction in female students and married people. *Journal of Roish Psychology*, 1 (34), 21-30.
- Misri, S. K. (2018). Marital Discord and Childbirth: Increasing Conflicts in New Parents. In *Paternal Postnatal Psychiatric Illnesses* (pp. 101-118). Springer, Cham.
- Nyunt, N. N., & Myint, K. W. (2020). The Relationship between Self-Compassion, Social Interest and Depression of Postgraduate Students.
- Park, H., & Park, J. S. (2018). The relationship between impulsivity and internet gaming disorder in young adults: Mediating effects of interpersonal relationships and depression. *International journal of environmental research and public health*, 15(3), 458.
- Pickard, J. A., Caputi, P., & Grenyer, B. F. (2016). Mindfulness and emotional regulation as sequential mediators in the relationship between attachment security and depression. *Personality and Individual Differences*, 99, 179-183.
- Quinlan, E., Deane, F. P., Crowe, T., & Caputi, P. (2018). Do attachment anxiety and hostility mediate the relationship between experiential avoidance and interpersonal problems in mental health carers?. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 7, 63-71.

- Rafieipour, A., & Sakani, Z. (2018). Prediction of love components based on Myers-Briggs personality traits. *Social Psychology Research Quarterly*, 32 (11), 108-99.
- Sina, F., Najarpourian, S., & Samavi, S. A. (2018). The Prediction of Marital Satisfaction Through Attachment Styles and Love Story. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 12(4).
- Snir, S., & Wiseman, H. (2016). Couples' joint drawing patterns: Associations with self-report measures of interpersonal patterns and attachment styles. *The Arts in Psychotherapy*, 48, 28-37.
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review*, 93(2), 119.
- Williamson, H. C., & Lavner, J. A. (2020). Trajectories of marital satisfaction in diverse newlywed couples. *Social Psychological and Personality Science*, 11(5), 597-604.



The Structural Model of Predicting Social Interest based on Interpersonal Relationships, and Satisfaction of the Relationship with the Mediating Role of Love in Couples

Akram. Esfahani¹, Hassan. Heidari^{2*}, Zabih. Pirani³ & Hosein. Davodi⁴

Abstract

Aim: This research was conducted with the aim of providing a structural model for predicting social interest based on interpersonal relationships and marital satisfaction with the mediating role of love of couples. **Method:** The cross-sectional research method is correlational. The statistical population of the current study was made up of all the women who referred to Sarai Mahalat in Tehran in 2021-2022, and among them, 305 people were selected by multi-stage cluster sampling method. In this research, the tools of social interest (Crandall, 1975), interpersonal relationships (Hurwitz et al., 1988), relationship satisfaction (Burns and Cyrus, 1988) and love (Stenberg, 1989) were used, all of which had acceptable validity and reliability. In order to analyze the data, SPSS-V23 and Lisrel-V7.8 software were used. In order to respond to the research hypotheses, structural equation modeling was used. **Results:** The findings of the research showed that the model has a good fit. The results showed that interpersonal relationships have a direct effect on social interest in couples. Marital satisfaction has a direct effect on social interest in couples. Interpersonal relationships have an indirect effect on social interest in couples with the mediating role of love. Marital satisfaction has an indirect effect on social interest in couples with the mediator role of love. **Conclusion:** Therefore, paying attention to the mentioned variables helps researchers and therapists in prevention and designing more suitable treatments.

Keywords: social interest, interpersonal relationships, marital satisfaction, love.

1. Ph.D student, Consulting Department, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

2. *Corresponding author: Assistant Professor, Counseling Department, Faculty of Humanities, Khomeyn Branch, Islamic Azad University, Khomeyn, Iran
Email: heidarihassan@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

4. Assistant Professor, Counseling Department, Faculty of Humanities, Khomeyn Branch, Islamic Azad University, Khomeyn, Iran